

نهضت فرهنگی زنان ایران و تأسیس مدارس دختران

غلامرضا درکتانیا

کارشناس بررسی و برنامه‌ریزی اسناد و مدارک سازمان اسناد ملی ایران

مقدمه

دگرگونی‌های اجتماعی در تاریخ معاصر ایران که نتیجه تحرکات اجتماعی اواسط دوره قاجار به بعد محسوب می‌شود، در زن ایرانی بی‌تأثیر نبوده و وی را که تا آن‌گاه تنها از درون حرامسراها به ایجاد تنش و یا تغییر در سطح منطقه نفوذ خود، یعنی دربار و درباریان مشغول بود صاحب نقش و تصویر فعال اجتماعی ساخت. مبارزات و تحرکات اجتماعی زنان ایران که قبل از مشروطیت و به‌خصوص در هنگامه قیام تحریم تنباکو، به صورتی جدی شکل یافته بود، در وجوه گوناگون و در تمامی سطوح طبقاتی کشور و به‌ویژه در مناطق حساس و پرتحرک از نظر انقلاب‌های اجتماعی دامنه یافت و به این ترتیب است که ما حضوری نه فقط اجتماعی، انتقادی و فرهنگی بلکه حتی به شکل شرکت در قیام مسلحانه علیه مخالفین مشروطیت از زن در دوره قاجار مشاهده می‌نمائیم.

به‌طوری‌که آقای دکتر مهدی ملک‌زاده به نقل از حیل‌المتین در مورد وجود کشته‌های زیادی از زنان که با جامعه مردان علیه مستبدین جنگیده بودند، می‌نویسد و روزنامه مجلس نیز درباره

حمایت زنان از مجلس و مبانی مشروطیت و تلاش جهت تحصیل استقلال اقتصادی مملکت به صورت تقدیم زیورآلات خود برای تأسیس بانک ملی خبر می‌دهد.^۱

نهضت مبارزه برای حقوق زنان که قبل از مشروطه شروع شده بود در این دوره شدت گرفته و زنان دست‌اندرکار که بسیاری از آنها از طبقات بالای اجتماع بودند، رفته‌رفته در انجمن‌ها تشکیل شدند و مدارس جدید دخترانه، کلاس‌های آموزش بزرگسالان، درمانگاه و انواع نهادهای دیگر تأسیس کردند.^۲

نخستین گام‌ها از طرف زنان ایران برای رسیدن به آزادی ایجاد انجمن‌ها و مدارس زنان بود. در دی ماه ۱۲۸۵ش که مظفرالدین شاه قانون اساسی را توشیح کرد، روزنامه مجلس تقاضای یک زن را در حمایت از آموزش زنان و مشارکت اجتماعی آنها چاپ کرد.^۳

در ۲۹ دی ماه همان سال، اجتماعی از زنان در تهران تشکیل شد و در آن ده قطعنامه به تصویب رسید که یکی از آنها تقاضای تأسیس مدارس دخترانه و دیگری «الغای جهیزیه‌های سنگین» بود، زیرا عده زیادی معتقد بودند پولی که برای جهیزیه دختران پس‌انداز می‌شود باید صرف تعلیم و تربیت آنها شود. سه سال بعد در فروردین ماه ۱۲۸۹ش، پنجاه مدرسه دخترانه در تهران تأسیس و کنگره زنان با موضوع آموزش نیز در پایتخت برگزار شد.

مدارس میسیونری که قبل از مشروطیت در تهران، تبریز، مشهد، همدان و رشت تأسیس شده بود در جذب محصل از زنان مسلمان موفق نبودند زیرا اولاً جامعه نسبت به تحصیل زنان نظر منفی داشت و ثانیاً هدف غایی مدارس اروپایی و مسیحی تغییر دین محصلان بود. فقط با انقلاب مشروطه بود که کارزار وسیعی برای تعلیم و تربیت زنان آغاز شد.^۴

تأسیس مدارس به سبک نوین علاوه بر تغییر در سطح کیفی آموزش، به لحاظ کمیت نیز به افزایش محصلین پسر کمک کرد. به علت نفوذ افکار تجددخواهی و شیوع تفکر آموزش برای رفع نواقص، اندیشه تأسیس مدارس دخترانه قوت گرفت. بسیاری از نشریه‌های آن دوره مانند صوراسرافیل و عدالت از این گرایش زنان به دانش حمایت کردند و در تأثیر فواید آن مطلب نوشتند.^۵ البته تأسیس مدارس دختران معضل بزرگی بود که واکنش‌هایی را از سوی جریان سنت‌گرا برانگیخت. خانم سهیلا ترابی فارسانی در کتاب اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا

پهلوی در این مورد می‌نویسد: «اولین تلاش‌ها برای ایجاد مدرسه ملی دخترانه با مخالفت‌های شدیدی مواجه شد، از جمله در سال ۱۳۲۱-۱۲۸۲ش، طوبی آزموده، مدرسه دخترانه پرورش را تأسیس کرد که در چهارمین روز تشکیل، به دلیل مخالفت به تعطیلی کشیده شد. تا آغاز جنبش مشروطیت تعلیم و تربیت دختران صرفاً منحصر به مدارس خارجی بود اما پس از پیروزی جنبش مشروطیت و تفویق سیاسی موج نوگرایی و رونق بازار افکار جدید، زمینه اجتماعی و فرهنگی تأسیس و گسترش مدارس دختران فراهم شد».^۶

توجه ویژه دولت‌های پس از مشروطه و تخصیص بودجه کشور برای تعلیم و تربیت نوین، رفته رفته مشکل مکتبخانه‌ای تحصیلات را کم‌رنگ نمود^۷ و زمانی که مدارس جدید به طور نسبی مورد پذیرش عموم قرار گرفت، دولت در سال ۱۳۲۹-۱۲۹۰ش قانون اساسی فرهنگ را به تصویب رساند که با تصویب این قانون تعلیمات ابتدائی برای تمام ایرانیان اجباری گردید.^۸

در بحث مسایل فرهنگی و آموزشی یکی از اساسی‌ترین مشکلات، کمبود نیروی انسانی آموزش دیده بود. دولت‌ها همیشه برای اجرای یک طرح پس از مشکل تأمین بودجه با مشکل پذیرش اجتماعی و فرهنگی یک جریان اصلاح‌طلبی از سوی مردم و از دیگر سو با مشکل تأمین نیروی انسانی روبه‌رو بودند. در سایر عرصه‌های فنی، صنعتی و سیاسی نیز قضیه همین‌گونه بود؛ اما مسئله گسترش مدارس دخترانه و به دنبال آن تأسیس دارالمعلمات را می‌بایست هم پیامد جریان اصلاح‌طلبانه زنان و هم تغییر در نگرش به آموزش و پرورش دانست. آموزش دختران مسئله‌ای خاص بود و اینکه خود زنان مبنا و معلم این روش‌های نوین باشند، مسئله‌ای دیگر بود. اساساً سپردن امور تربیتی و اخلاقی دختران به زنان که تا پیش از آن صلاحیت‌های حرفه‌ای و توانایی‌های آنان محل تردید بود، اقدامی قابل توجه به‌شمار می‌رفت.^۹

در این مقاله ابتدا به بررسی موانع و مشکلاتی که بر سر راه تحصیل دختران در ایران دوره قاجار وجود داشته اشاره شده سپس تلاش کسانی را که در این راه محنت‌ها و سختی‌های بسیاری تحمل نمودند بازگو کرده و دشواری این مسیر را در نخستین رویارویی‌های جامعه با تغییرات اجتماعی نوین آشکار می‌سازد و در پایان فهرست مدارس دخترانه، تعداد شاگردان و

همچنین جدول مقایسه فارغ‌التحصیلان دختر و پسر بین سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۲ش در دوره‌های ابتدائی و متوسطه را نشان می‌دهد.

موانع و مشکلات تحصیل دختران

در اواخر دوره قاجاریه (۱۳۲۴) تأسیس مدارس دخترانه کار بسیار سخت و دشواری بود. عوام آموزش علم را برای دختران مغایر با مذهب می‌دانستند و اجازه نمی‌دادند دخترانشان به مدرسه بروند. هیچ‌کس خانه‌ای را برای مدرسه اجاره نمی‌داد، زیرا مردم آنجا را خانه فساد قلمداد کرده و مؤسس آن را به بی‌عفتی متهم می‌نمودند، حتی گاهی تابلوی آن را سنگ باران می‌کردند و دیوانگان را می‌گماشتند تا مزاحم شاگردان و مدیران مدرسه شوند.^{۱۰} دکتر حسین محبوبی اردکانی در این مورد می‌نویسد: «اولاً بنا به معتقدات دینی که از طرف روحانیون زمان به مردم تلقین می‌شد درس خواندن برای دختران لازم و جایز و پسندیده نبود و شاید شرط عفت را هم برای دختران زندگی در خانه و نداشتن سواد می‌دانستند. ثانیاً عامه مردم نظر خوبی به تحصیل در مدارس جدید نداشتند و هر زمان می‌توانستند محصلین و معلمین را مورد آزار و یا سخره و توهین قرار می‌دادند و البته این در مورد پسران و مردان وجود داشت دیگر چه رسد به دختران»^{۱۱} در چنین شرایطی از طرف اولیاء امور وقت هم هیچ‌گونه حمایتی از مدرسه نمی‌شد و تمام مسئولیت حفظ و نگهداری و انتظام مدرسه و امنیت جانی شاگردان با اولیاء مدرسه بود.^{۱۲}

یکی دیگر از مهم‌ترین مشکلات مدارس ایران خصوصاً مدارس متوسطه مشکل کسر بودجه یا تأمین بودجه بود. این خصیصه در شهرستان‌ها بارزتر به نظر می‌رسید چرا که آنها از مرکز، حمایت کافی دریافت نمی‌کردند. مدارس متوسطه هم به علت گستردگی و تنوع برنامه‌های درسی نسبت به دبستان‌ها هزینه بیشتری داشتند.

علاوه بر مشکل بودجه، اجاره محل یا ساختمان مدارس نیز یکی دیگر از مشکلاتی بود که در کار تحصیل دختران اخلال و بی‌نظمی ایجاد می‌کرد. اکثر ساختمان‌های مدارس متوسطه



استیجاری بود و گذشته از صرف بخشی از بودجه به‌عنوان اجاره محل، تغییر و تخلیه آن در صورت لزوم باعث ایجاد مشکلاتی برای مسئولان مدارس و خصوصاً شاگردان می‌شد. یکی دیگر از مهم‌ترین دلایل کندی رشد مدارس دخترانه، مسائل اخلاقی و باورهای اجتماعی خانواده‌ها و عدم پذیرش سبک و سیاق جدید بود. مدارس دخترانه می‌بایست دارای کادر آموزشی زنان بودند و همین امر مشکلات فراوانی را پدید می‌آورد که البته این مشکل بعدها تا اندازه زیادی با تأمین معلم برای مدارس دختران از میان رفت.^{۱۳}

پیشگامان تأسیس مدارس دختران

خانم مریم عمید (مزمین السلطنه) دختر میر سیدرضی رئیس‌الاطباء، پزشک قشون ناصرالدین شاه بود. وی علاوه بر تأسیس روزنامه شکوفه نخستین نشریه زنان ایران در سال ۱۳۳۰ق و در عین تشویق بانوان فرهیخته به ایجاد و گسترش مدارس ویژه خانم‌ها، اقدام به تأسیس مدرسه دخترانه‌ای به نام «دارالعلم و صنایع مزینیه» نمود و به منظور ترویج علم و دانش در میان طبقات متوسط و کم‌بضاعت اجتماع در مقابل هر دو نفر شاگرد که با شهریه می‌پذیرفت، یک شاگرد را نیز بدون شهریه قبول می‌کرد. مواد برای تدریس در مدرسه مزینیه، خواندن و نوشتن فارسی، فرانسه و عربی، تاریخ، جغرافیا، هندسه، فنون دستی و خانه‌داری بود. یکی از مقولات اصلی مورد علاقه و توجه خاص مزمین‌السلطنه، تأکید بر لزوم تربیت و تعلیم «دوشیزگان» بود به‌عنوان همسران و مادران آینده بدین نحو که ایشان خود متقبل تربیت فرزندان و تأثیرگذار در رفتار مردان خواهند بود. وی بیشتر عمر خود را صرف هدف‌های پرارزش فرهنگی و اجتماعی خویش نمود و در سال ۱۳۳۷ق درگذشت.^{۱۴}

زهره خانم تاج‌السلطنه (دختر ناصرالدین شاه قاجار) از زنان نسبتاً فهیم زمان خود که به چیزی بیشتر از ماجراهای دربار و حوادث حرامسراها می‌اندیشید، در خاطرات خویش در مورد نقش زنان و لزوم تحصیل و رواج علم و فرهنگ در میان آنان می‌نویسد: «ریشه اخلاق کریمه که به نهال نورس شباهت دارد در دو جا می‌روید: این دو نقطه که محل روئیدن آدمیت است کجاست؟ خانواده و مدرسه. آری! ریشه صفات حسنه و ملکات فاضله ... در این دو جا می‌روید

و با مراقبت باغبان مهربان خانه (مادر) و آموزگار هوشیار مدرسه نواقص آن تکمیل می‌شود. پس اصلاحات اجتماعی یک قوم مبدع سعادت یک ملت، معنی آب‌های شیرین و گوارای زندگانی یک طایفه و امید وصول به کاروان تمدن عصر حاضر، منوط به اصلاح حال زنان و تربیت آنان است، که ایشان اطفال خود را خوب تربیت کرده و گذشته از اینکه اولاد آنها خوشبخت و باسعادت می‌شوند، خدمت بزرگی هم به عالم تمدن شده است».^{۱۵}

بی‌بی خانم وزیراف (استرآبادی) در سال ۱۳۲۴ یکی از نخستین مدارس دخترانه تهران را به نام دبستان «دوشیزگان» افتتاح کرد. این مدرسه پنج معلم داشت و در آن موضوع‌های مختلفی مانند تاریخ، قرائت، نگارش، جغرافیا، ریاضیات و علوم دینی تدریس می‌شد. دانش‌آموزان هفت تا دوازده ساله در این مدرسه ثبت‌نام می‌کردند. برای تشویق والدین درس آشنایی هم به درس‌ها اضافه کردند و مرکزی نیز برای آموزش کارهای دستی افتتاح شد. بی‌بی‌خانم به مردم اطمینان می‌داد که معلمان همه زن هستند و فقط نگهبان پیر ساختمان، مرد است. دبستان دوشیزگان با مخالفت مستبدین روبه‌رو شد، در خیابان‌ها به محصلان و معلمانشان فحاشی و حمله می‌کردند. وقتی خانم استرآبادی به مقامات شکایت کرد به او گفتند که مدرسه‌اش را تعطیل کند تا موجب چنین آشوبی در کشور نشود. سرانجام مدرسه او بعد از مدتی بازگشایی شد اما محصلان بزرگتر (یازده یا دوازده ساله) طبق فرمان حکومت از تحصیل منع شدند. بی‌بی‌خانم همچنین پرورشگاهی نیز برای دختران بی‌سرپرست تأسیس کرد.^{۱۷}

طوبی آزموده، دختر مرحوم میرزا حسن خان سرتیپ^{۱۸} و مدیر مدرسه پرورش بود، این مدرسه در سال ۱۳۲۱ اولین مدرسه دخترانه‌ای بود که به وسیله یک خانم ایرانی اداره می‌شد.^{۱۹} طوبی آزموده یکی از مقتدرترین زنان فرهنگی عصر خود بود. وی بانویی واقع‌بین و بی‌نظیر، روشن‌فکر و سیاستمدار بود^{۲۰} که در سال ۱۳۲۶ مدرسه «ناموس» را در خیابان فرمانفرما تأسیس نمود. او با اخذ تدابیر لازم و با پیش‌بینی برنامه‌های متناسب با افکار مردم کار خود را شروع کرد، چنان‌که هر سال مجالس روضه‌خوانی در مدرسه ترتیب می‌داد، از اولیاء شاگردان دعوت به عمل می‌آورد و آیه‌هایی از قرآن را که خداوند در آنها آموختن علم و دانش را از اهم وظایف مسلمانان دانسته، گوشزد می‌نمود و به این تدبیر از آشوب و جنجال و مزاحمت مردم جلوگیری می‌کرد.

مدرسه ناموس بعدها به صورت یکی از مهم‌ترین و مجهزترین مدارس متوسطه تهران درآمد^{۲۱} و طوبی آزموده به دریافت تقدیرنامه و نشانه‌های علمی درجه ۱، ۲ و ۳ نائل شد.^{۲۲}

یک معلم پیشگام دیگر درةالمعالی عضو انجمن مخدرات وطن^{۲۳} بود. او از خانواده سطح بالای متنفذی بود که با خانواده سلطنتی روابط صمیمانه داشت، پدرش علی شمس‌المعالی طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود، درةالمعالی با استفاده از ثروت شخصی خود مدرسه مخدرات تهران را در سال ۱۳۲۲ق باز کرد و از زنان باسوادتر خانواده خود خواست تا در امر تدریس به او کمک کنند.^{۲۴}

مهتاج رخشان فرزند محمد باقر رضوی ملقب به امام‌الحکما ابتدا طبیب ارتش بود، مادرش حمیده دختر حکیم سینا که در سخن‌پردازی گوی سبقت می‌ربود، اولین و بزرگ‌ترین خدمت بانو رخشان تأسیس مدرسه ام‌المدارس در سال ۱۳۲۶ق بود. بانو رخشان با ایجاد مدرسه در آن عصر و تعلیم و تدریس و ایراد سخنرانی‌ها و انشاء مقالات و نظایر آن و خدمتی که به فرهنگ و آزادی زنان نمود بجاست که بگوییم حق بسیاری بر جهان زنان دارد و از پیشوایان فرهنگ و آزادی زنان ایران به‌شمار می‌رود.^{۲۵}

آقا بیگم دختر مجتهد آزاداندیش، شیخ هادی نجم‌آبادی بود. وی که رئیس انجمن مخدرات وطن بود مدرسه‌ای به نام مدرسه دختران در جنوب تهران ساخت و در سخنرانی‌اش برای انجمن نسوان از حکومت به دلیل غفلت از امور ملت انتقاد کرد و خواهان توجه به وضع زنان شد.^{۲۶}

خانم صفیه یزدی که عضو انجمن آزادی زنان بود به تشویق شوهرش شیخ محمد حسین یزدی، که یکی از روحانیون طراز اول تهران به‌شمار می‌رفت و به‌عنوان حاکم شرع برای نظارت تصمیمات مجلس انتخاب شده بود و از فکر تحصیل زنان حمایت می‌کرد، مدرسه عفتیه را در سال ۱۲۸۹ش تأسیس نمود.^{۲۷}

خانم ماهرخ گوهرشناس مدرسه دخترانه «ترقی» را در سال ۱۲۹۰ش در تهران تأسیس نمود و دو سال فعالیت‌های خود را از چشم شوهرش مخفی نگه داشت. وی بعد از اطلاع و مخالفت شوهرش به کار خود در مدرسه ادامه داد و مدرسه ابتدائی او وسیع‌تر شد و از پسران هم ثبت‌نام می‌کرد.^{۲۸} وی زنی نوع‌دوست و باتقوا و از جمله زنانی است که در انقلاب مشروطیت با

همفکران خود جمعیتی ترتیب داد، افراد این جمعیت هم‌قسم شدند که برای احقاق حق زنان از جانفشانی و کشته شدن و تحمل سختی و مرارت دریغ نوزند.^{۲۹}

خانم‌ها موچول و نصرت مستغنی که هر دو خواهر بودند، بدون تردید از نوایغ و نوادر آن روزگار به‌شمار می‌رفتند زیرا بدون اینکه مدرسه بروند و یا پدر و مادر به آنها توجه زیادی نمایند هر دو از بزرگ‌ترین و دانشمندترین و هنرمندترین افراد عصر خود در ایران شدند. این دو خواهر در سال ۱۲۸۸ش مدرسه «شمس‌المدارس» را تأسیس کردند که چندی بعد به «آفتاب» تغییر نام داد. بسیاری از خانم‌های فاضل و دانشمند در مکتب مستغنی‌ها تربیت شدند.^{۳۰}

خانم ربابه قوامی (فرح‌الملوک) متعلقه آقای حاج ابوالقاسم خان مترجم و منشی سفارت هلند بود. در سال ۱۳۳۵ وزارت معارف و اوقاف پس از اخذ ضمانت‌نامه و التزام‌نامه از وی با تقاضای نامبرده مبنی بر اجازه تأسیس یک باب مدرسه ابتدائی، به نام «فرحیه نوباوگان» موافقت نمود و امتیازنامه مدرسه مزبور را به نام او صادر کرد.

خانم فرح‌الملوک در تهران تحصیل نمود و دارای تصدیق‌نامه از وزارت معارف بود. او قبل از تأسیس مدرسه، دوازده سال در مدارس دیگر تدریس نمود و با کار تعلیم و تربیت آشنائی کامل داشت.^{۳۱}

خانم سکینه شهرت، در سال ۱۳۳۶ق به تشویق حاج میرزا حسن رشدی، پایه‌گذار مدارس ایران، مدرسه «حسنات»^{۳۲} را در خیابان ولی عصر فعلی تأسیس کرد و پس از مدتی تغییر نام داده به مدرسه ژاله موسوم شد. مدرسه مزبور دارای دوازده کلاس بود و سال‌ها در منطقه فوق، از مدارس معتبر تهران به حساب می‌آمد.^{۳۳}

در سال ۱۲۹۷ش، نصرت‌الدوله وزیر معارف کابینه وثوق‌الدوله پس از تأسیس اداره عملیات نسوان، اقدام به تأسیس ده مدرسه دولتی و یک مدرسه تربیت معلم به نام دارالمعلمات نمود.

مدارس دولتی از شماره ۳۱ تا شماره ۴۰ نامگذاری شده و در نواحی ده‌گانه تهران شروع به کار کردند که در جدول ذیل می‌آید:

شماره	محل مدرسه	مدیره	تعداد دانش آموز
۳۱	ناحیه ارک	فرنگیس خانم	۱۰۵ نفر
۳۲	ناحیه دولت	افسرالملوک خانم	۱۱۰ نفر
۳۳	ناحیه حسن آباد	درخشنده خانم	۱۱۴ نفر
۳۴	ناحیه سنگلج	حشمت خانم	۱۱۲ نفر
۳۵	ناحیه قنات آباد	محترم خانم	۱۱۴ نفر
۳۶	ناحیه محمودیه	فاطمه خانم	۳۵ نفر
۳۷	ناحیه قاجاریه	سکینه خانم اعزازی	۱۱۵ نفر
۳۸	ناحیه بازار	حاجیه خانم	۱۰۴ نفر
۳۹	ناحیه عودلاجان	مرصع خانم	۱۰۴ نفر
۴۰	ناحیه شهر نو	کوکب السادات خانم	۲۵ نفر

در این مدارس علاوه بر سایر دروس، هنرهای دستی از جمله قالی بافی، خیاطی و بافندگی نیز تعلیم داده می شد.^{۳۴}

از دیگر پیشگامان تأسیس مدارس دختران در تهران، بانو کامیاب مؤسس مدرسه تربیت بنات، عزت الشریعه مؤسس مدرسه محمودیه، ماه سلطان امیرصحی مؤسس مدرسه تربیت نسوان، حدیجه هرمزی مؤسس مدرسه لاله و سایر زنان روشن فکری که هر کدام با تأسیس مدارس در نهضت فرهنگی زنان برای تأسیس مدارس و تربیت دختران تلاش فراوان نمودند را می توان نام برد.^{۳۵}

در شهرستانها نیز مدارس در همان زمان دایر شد که معروفترین آنها مدرسه فروغ بود که در یک شرایط بسیار آشفته و پرهرج و مرج، در شهر مشهد، که یک شهر مذهبی بود، توسط خانم فروغ آذرخشی دایر شد.

در اصفهان مکتبخانه شرعیات را در سال ۱۲۹۶ش می توان نام برد که مؤسس آن خانم صدیقه دولت آبادی بود.^{۳۶} وی معتقد بود که از زن ایرانی باید آدمی نو ساخت، جدا از رنگ ضعف و خواری و ذلتی که بی دلیل بر خود گرفته بود.^{۳۷}

در فارس مدرسه عصمتیه توسط آقای خوشنویس‌زاده و به سرپرستی خانم «حیا»، در سال ۱۳۰۰ش تأسیس شد. این مدرسه یک مدرسه شش کلاسه بود که تا سال ۱۳۱۴ش هنوز فاقد امتیازنامه رسمی از وزارت معارف بود.

لازم به ذکر است که افراد برای تأسیس مؤسسات فرهنگی موظف به اخذ امتیازنامه از وزارت معارف بودند، گرفتن این امتیازنامه مستلزم تهیه محل مناسب، ارائه التزامنامه و رعایت مواد پرور گرام دولتی و ضمانت‌نامه اخلاقی بود.^{۳۸}

دارالمعلمات

در اواخر جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۶ق/ ۱۲۹۷ش دولت برای اولین بار اقدام به تربیت آموزگار نمود و دارالمعلماتی در تهران تأسیس شد که دوره تحصیل در آن ۵ سال بود.^{۳۹} دارالمعلمات ابتدا ضمیمه مدرسه فرانکوپرسان گردید و ریاست آن به یوسف‌خان ریشارد (مؤدب‌الملک) واگذار شد. این مدرسه در سال ۱۳۰۰ش از فرانکوپرسان جدا و بانو فصیح‌الملک مهام، مدیریت آن را به‌عهده گرفت، ولی در سال ۱۳۰۴ش دکتر عیسی صدیق رئیس تعلیمات نسوان یک بانوی فرانسوی را که «هلن هس» نام داشت برای اداره امور دارالمعلمات تعیین نمود و دروس تدبیر منزل، تعلیم و تربیت و روان‌شناسی کودک را به مواد درسی آن اضافه نمود. شاگردان این مدرسه از پرداخت شهریه معاف بودند به شرط اینکه در موقع ورود تعهد می‌دادند که بعد از اتمام دوره، معادل سنوات تحصیل موظف به تدریس در مدارس دولتی باشند.^{۴۰} اولین کسانی که موفق به اخذ دیپلم از دارالمعلمات شدند عبارتند از خانم‌ها بدرالملوک فردوسی، فرح‌انگیز عهدیه، عذرا مشیری، خانم آغامشه، صغری راد، محترم اخوی، بدرالدوله قاجار، مرضیه توفیق، شاهزاده ندیمی، زری شکوه، توران تیموری، کبری جاریونی، گلی شکوه، صدیقه ریاضی، سعیده قزلباش و مریم راد که از فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ و دارای تصدیق‌نامه رسمی متوسطه دارالمعلمات بودند.^{۴۱}

از دیگر شهرهایی که در آن دارالمعلمات تأسیس شد تبریز بود. دارالمعلمات تبریز در سال ۱۳۰۵ش توسط میرزا محمدعلی‌خان تربیت رئیس وقت معارف آذربایجان تأسیس شد. این مرکز

بنای کوچکی بود که غیر از چند کلاس، فاقد تجهیزات و لوازم فنی، مانند آزمایشگاه و تالار کتابخانه بود. در سال ۱۳۱۳ عملیات ساختمانی در آن صورت گرفت و در همان سال توسط علی اصغر حکمت افتتاح و پس از ایجاد تحولاتی در نحوه فعالیت، به دانشسرای دختران تبریز تبدیل شد.^{۴۲}

همچنین دارالمعلمات اصفهان در سال ۱۳۰۸ش که با افزودن یک کلاس متوسطه به دبستانی دخترانه تبدیل شده بود، با مشکلات فراوان به تدریج توسعه یافت و در سال ۱۳۱۳ به مدیریت خانم عفت سهرابی یک کلاس چهارم متوسطه نیز در آن دایر گردید و سرانجام در سال ۱۳۱۴ به صورت یک دبیرستان کامل درآمد و در سال ۱۳۱۶ به جای کلاس‌های چهارم و پنجم، دو کلاس دانشسرای مقدماتی دختران نیز در آن تأسیس شد و دانشسرای دختران نامیده شد.^{۴۳}

اولین گروه دخترانی که به دانشگاه راه یافتند

در سال ۱۳۱۳ش که قانون تأسیس دانشگاه به تصویب مجلس شورای ملی رسید و دانشسراها و مدارس عالی از مؤسسات دانشگاه محسوب شدند، آموزش دختران در دانشگاه نیز در راستای سیاست‌های فرهنگی دولت قرار گرفت. بدرالملوک بامداد در کتاب خود می‌نویسد: «در سال ۱۳۱۴ش پس از تأسیس دانشگاه، بالاخره اولین گروه دختران که عبارت بودند از خانم‌ها شاهزاده اسکندری، شمس‌الملوک مصاحب، بدرالملوک بامداد، سراج‌النساء (دختر هندی)، مهرانگیز منوچهریان، زهرا بیات اسکندری، بتول سمیعی، طوسی حائری، شایسته صدیق، تاج‌الملوک نخعی، فروغ و زهرا کیا (خانلری) به دانشگاه راه یافتند که همگی آنها از زنان دانشمند، فعال و خدمتگزاران سرشناس اجتماع به‌شمار می‌روند.^{۴۴}

نتیجه

زنان برای رسیدن به هدف‌های خود از هر مفری استفاده می‌کردند. به متون مذهبی که در آنها به رفتار مساوات‌گرایانه با زنان سفارش شده بود متوسل می‌شدند، غیرت و خجالت مردان



مشروطه خواه را برمی‌انگیختند، جهیزیه و ارثیه خود را خرج می‌کردند و حتی از ارتباطات خود در حرم سلطنتی بهره می‌جستند و البته توانستند به بعضی امیدهای خود تحقق بخشند.

«جدول مقایسه فارغ‌التحصیلان دوره تحصیلات شش ساله ابتدائی»^{۴۵}

از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۱۲ش

تعداد فارغ‌التحصیلان			سال
جمع	اناث	ذکور	
۴۷	۳	۴۴	۱۲۹۱
۹۳	۱۰	۸۳	۱۲۹۲
۱۶۶	۱۰	۱۵۶	۱۲۹۳
۳۸۵	۴۳	۳۴۲	۱۲۹۴
۳۸۶	۸۹	۲۹۷	۱۲۹۵
۶۰۳	۱۳۵	۴۶۸	۱۲۹۶
۶۹۰	۱۴۱	۵۴۹	۱۲۹۷
۷۱۴	۱۱۷	۵۹۷	۱۲۹۸
۷۲۳	۱۱۴	۶۰۹	۱۲۹۹
۷۸۷	۱۵۱	۶۳۶	۱۳۰۰
۹۷۸	۱۸۰	۷۹۸	۱۳۰۱
۱۱۹۶	۳۰۹	۸۸۷	۱۳۰۲
۱۶۰۹	۳۱۳	۱۲۹۶	۱۳۰۳
۱۸۷۶	۳۸۰	۱۴۹۶	۱۳۰۴
۲۲۵۹	۴۵۱	۱۸۰۸	۱۳۰۵
۲۹۸۲	۶۴۹	۲۳۳۳	۱۳۰۶
۳۱۴۰	۷۶۲	۲۳۷۸	۱۳۰۷
۳۹۹۶	۱۰۲۹	۲۹۶۷	۱۳۰۸
۴۶۶۴	۱۱۲۹	۳۵۳۵	۱۳۰۹
۵۶۳۳	۱۳۸۴	۴۲۴۹	۱۳۱۰
۵۴۱۷	۱۳۰۴	۴۱۱۳	۱۳۱۱
۶۵۳۶	۱۷۳۰	۴۸۰۶	۱۳۱۲
۴۴۸۸۰	۱۰۴۳۳	۳۴۴۴۷	جمع



«جدول مقایسه کل فارغ التحصیلان دوره تحصیلات شش ساله متوسطه»^{۴۶}

از سال ۱۲۹۳ تا ۱۳۱۲ش

سال	تعداد فارغ التحصیلان		جمع
	ذکور	اناث	
۱۲۹۳	۹	-	۹
۱۲۹۴	۱	-	۱
۱۲۹۵	۱۱	-	۱۱
۱۲۹۶	۱۸	-	۱۸
۱۲۹۷	۱۸	-	۱۸
۱۲۹۸	۱۲	-	۱۲
۱۲۹۹	۸	-	۸
۱۳۰۰	۹	-	۹
۱۳۰۱	۲۹	-	۲۹
۱۳۰۲	۳۷	-	۳۷
۱۳۰۳	۵۷	-	۵۷
۱۳۰۴	۷۷	-	۷۷
۱۳۰۵	۱۱۰	-	۱۱۰
۱۳۰۶	۱۳۹	-	۱۳۹
۱۳۰۷	۱۴۸	۴۰	۱۸۸
۱۳۰۸	۱۳۹	۶۶	۲۰۵
۱۳۰۹	۲۸۴	۴۸	۳۳۲
۱۳۱۰	۲۷۹	۹۵	۳۷۴
۱۳۱۱	۳۱۱	۱۲۰	۴۳۱
۱۳۱۲	۳۷۱	۲۳۵	۶۰۶
جمع	۲۰۶۷	۶۰۴	۲۶۷۱

صورت احصائیه مدارس اناث دارالخلافه طهران^{۴۷}

در سنه اودئیل ۱۳۳۱ قمری ۱۲۹۲ شمسی



ردیف	نام مدرسه	تعداد محصلان شهریه‌ای	تعداد محصلان رایگان
۱	تربیت بنات	۱۰۰	۱۷
۲	نصرتیه فرهنگ	۲۷	۱۱
۳	مزینیه	۴۰	۳۹
۴	انائیه	۱	۱
۵	دبستان دختران	۱۸	۱۰
۶	احترامیه نونهالان	۱	-
۷	مخدرات اسلامی	۴۶	۱۲
۸	عصمتیه دختران	۱۰	۵
۹	ابتدائیه عفت	۱۹	۱۲
۱۰	تربیت دختران	۹۲	۱۳
۱۱	حجاب	۵۶	۱۲
۱۲	انائیه (فروغ نسوان)	۲۲	۳
۱۳	عفتیه	۳	-
۱۴	انتظامیه	۳۰	۳
۱۵	عصمت	۲۰	۸
۱۶	دبستان پرورش دوشیزگان	۲۰	۴
۱۷	مستورات	۴۹	۱۰
۱۸	تأدیبات البنات	۱۸	۳
۱۹	حسنات	۳۵	۶
۲۰	شعبه ناموس	۱۶	۹
۲۱	نصرتیه	۲۵	۵
۲۲	مکتب البنات	۶۷	۱۳
۲۳	حرمتیه سادات	۴۸	۱۴
۲۴	تربیت النسوان	۳۱	۹
۲۵	خواتین هفت تن	۵۸	۱۵
۲۶	دوشیزگان	۷	۳
۲۷	ساداتیه	۲۸	۱۶
۲۸	شمسیه ترقی نسوان	۱۲	۵
۲۹	صدریه	۳۳	۶
۳۰	نوامیس	۱	۶



ردیف	نام مدرسه	تعداد محصلان شهریه‌ای	تعداد محصلان رایگان
۳۱	شرافت دختران	۴۱	۱۲
۳۲	افتخاریه دوشیزگان	۱۷	۳
۳۳	عصمتیه	۶۲	۱۲
۳۴	حشمتیه دوشیزگان	۲۰	۸
۳۵	دوشیزگان وطن	۴۳	۲۷
۳۶	شعبه مکتب البنات	۹	۳
۳۷	دختران ایرانی	۲۸	۹
۳۸	ناموس	۱۱۹	۴۱
۳۹	اسلامیه شمسیه	۲۱	۱۰
۴۰	ترقی بنات	۶۰	۲۶
۴۱	عفاف	۱۰	۲
۴۲	اقتدار المدارس	۸	۲
۴۳	مستورگان وطن	۱۲	۳
۴۴	اشرف البنات	۴	۸
۴۵	تأنیث	۱۱	۴
۴۶	تعلم النسوان	-	-
۴۷	امهات	۲	۲
۴۸	افتخاریه دختران	۳	۱
۴۹	عفتیه	۵۰	۱۶
۵۰	قدسیه	۲۱	۸
۵۱	تشویق البنات	۲۲	۶
۵۲	نصرتیه	۱۲	۳
۵۳	فاطمیه	۴	۲
۵۴	حشمت المدارس محترمات	۱۹	۱۰۱
۵۵	طیبات	۴۴	۱۱
۵۶	دبستان معرفت دوشیزگان	۸	۸
۵۷	سن زلف	۴۵	-
۵۸	بنات زهروه	۲۱	۵
۵۹	توکل اسلامی دوشیزگان	۱	۲
۶۰	فرانسه دوشیزگان	۵۸	-



ردیف	نام مدرسه	تعداد محصلان شهریهای	تعداد محصلان رایگان
۶۱	پرده گیان اسلامی	۶	۳
۶۲	بنات ایتم	-	۵۳
جمع کل شاگردان ۲۳۷۵ نفر		۱۷۱۴ نفر	۶۶۱ نفر

پی‌نوشت‌ها

۱. شکوفه به انضمام دانش، نخستین نشریه‌های ادواری زنان ایران، تهران، انتشارات کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷ش، ص ۱.
۲. آفازی، ژانت، انقلاب مشروطه ایران، مترجم رضا رضایی، تهران، نشر بیستون، ۱۳۷۹ش، ص ۲۳۴.
۳. همان، ص ۲۳۸-۲۳۹.
۴. همان، ص ۲۳۹-۲۴۰.
۵. یزدانی، مرضیه، تأسیس دارالمعلمات (دانشسرای دختران) و تحصیلات بانوان، گنجینه اسناد، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ش، ص ۴۷.
۶. ترابی فارسانی، سهیلا، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، تهران، پژوهشکده سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳ و ۱۴.
۷. یزدانی، مرضیه، همان.
۸. ترابی فارسانی، سهیلا، همان، ص ۱۶.
۹. یزدانی، مرضیه، همان، ص ۵۳.
۱۰. حسینی، رباب، مدارس نسوان از آغاز تا سال ۱۳۱۴، گنجینه اسناد، سال اول، بهار ۱۳۷۰ش، ص ۸۲.
۱۱. محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج ۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ش، ص ۴۱۲.
۱۲. حسینی، رباب، همان.
۱۳. یزدانی، مرضیه، همان، ص ۵۱-۵۲.
۱۴. نشریه شکوفه، همان، ص ۲ و ۴.
۱۵. تاج‌السلطنه، خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، چاپ دوم، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲ش، ص ۱۱.
۱۶. قویمی، فخری، کارنامه زنان مشهور ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر، تهران، انتشارات وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲ش، ص ۱۳۱.
۱۷. آفازی، ژانت، همان، ص ۲۴۸.
۱۸. قویمی، فخری، همان، ص ۱۳۵.
۱۹. یزدانی، مرضیه، همان، ص ۴۸.
۲۰. قویمی، فخری، همان، ص ۱۳۴.
۲۱. حسینی، رباب، همان، ص ۸۳.
۲۲. قویمی، فخری، همان.



۲۳. انجمن مخدرات وطن توسط شصت زن در سال ۱۲۸۹ش در تهران تأسیس شد. به نقل از آفازی، ژانت، همان، ص ۲۴۵.
۲۴. همان، ص ۲۴۸-۲۴۹.
۲۵. قویمی، فخری، همان، ص ۱۱۱-۱۱۲.
۲۶. آفازی، ژانت، همان، ص ۲۴۵.
۲۷. حسینی، رباب، همان، ص ۸۴.
۲۸. آفازی، ژانت، همان، ص ۲۵۰.
۲۹. قویمی، فخری، همان، ص ۱۴۰.
۳۰. همان، ص ۱۳۸.
۳۱. حسینی، رباب، همان، ص ۸۲-۸۳.
۳۲. مدرسه حسنات بعد از مدرسه ناموس دومین مدرسه تهران بود و مؤسس آن مخصوصاً نام مدرسه را از قرآن کریم، سوره هود علیه السلام، قسمتی از آیه ۱۱۴ (ان الحسنات یدهبن السيئات) اختیار کرده بود.
۳۳. حسینی، رباب، همان، ص ۸۳.
۳۴. همان، ص ۸۵.
۳۵. قویمی، فخری، همان، ص ۱۴۳، ۱۴۵ و ۱۵۱.
۳۶. حسینی، رباب، همان، ص ۸۴.
۳۷. قویمی، فخری، همان، ص ۱۱۰.
۳۸. حسینی، رباب، همان.
۳۹. تراپی فارسانی، سهیلا، همان، ص ۱۹.
۴۰. حسینی، رباب، همان، ص ۸۶.
۴۱. یزدانی، مرضیه، همان، ص ۵۰.
۴۲. همان، ص ۵۲.
۴۳. همان، ص ۵۱.
۴۴. بامداد، بدرالملوک، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۷، ص ۹۸-۹۹.
۴۵. حسینی، رباب، همان، ص ۹۸.
۴۶. همان، ص ۹۹.
۴۷. نشریه شکوفه، همان، ص ۷۹-۸۰.